

پیشگفتار:

بی گمان انقلاب اسلامی ایران، بزرگ ترین و عمیق ترین انقلاب ارزشی، فکری و دینی در عصر حاضر است. بنیانگذار این نظام مقدس، حضرت امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه)، با رهبری های پیامبر گونه اش، اسلام را از انزوای سیاسی بیرون آورده، مسلمانان را بر قله عظمت و عزت نشاند و ابهت قدرت های استکباری را درهم شکست. از این رو ایران انقلابی به عنوان پایگاه اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله) در جهان شناخته شده و صدای دلنشین حق طلبی و آزادی آن در دورترین نقاط جهان طنین افکنده است.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به منظور ایفای رسالت عظیم خود، یعنی پاسداری از ارزش ها و دستاوردهای انقلاب اسلامی و ارتقاء و تعمیق این ارزش ها در میان اقشار جامعه انقلابی، به ویژه نسل جوان، بر خود لازم می داند که به ((سربازان وظیفه)) ای که بهترین و حساس ترین دوران زندگی خود را به عنوان خدمت سربازی در این نهاد سپری می کنند، با دید سفیران فکری، سیاسی و اخلاقی انقلاب برای نسل آینده جامعه بنگرد و با انتقال ارزش ها و مفاهیم دینی در قالب آموزش های عقیدتی و سیاسی، به این میهمانان امروز و مسئولان فردا، به بخشی از رسالت الهی خود عمل نماید.

مقدمه :

از منظر قرآن یکی از منابع شناخت و تفکر انسان هاست و تحولات بشری، براساس سلسله ای از سنت ها و ضوابط صورت می پذیرد. عزت ها و ذلت ها، پیروزی ها و شکست ها، غم ها و شادی ها، همه براساس سنت ها و حکمت هایی دقیق و منظم است؛ و با پی بردن به آن سنن و قوانین می توان تاریخ را تحت فرمان خود در آورد و به سود خود و جامعه از آن بهره جست.

قرآن کریم برای یافتن این سنت ها، انسان را به تفکر فراخوانده و منابع تفکر را نیز ارائه داده است. از این رو در آیات بسیاری، مردم را به تدبیر در زندگی هموعان خود در دوران های گذشته دعوت کرده و نکته های سودمند و ظریفی را مطرح ساخته و آنگاه افرادی را که صلاحیت دارند تا اسوه و الگوی چنین ملتی باشند، معرفی نموده است.

اسوه ها، انسان های بزرگ و برگزیده ای هستند که نه تنها خطا بلکه فکر خطا نیز در خیالشان راه ندارد. پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع)، انسان های برگزیده خداوند هستند که خود هدایت یافته اند و برای هدایت انسان ها از جانب خالق هستی، برنامه آورده اند. اما اولین گام در بهره گیری از هدایت آنان، آن است که اسوه ها را شناخته، از روش و فکر آنها آگاه شده، آنگاه مشی آنها را سرلوحه گفتار و کردار خویش سازیم. راز موفقیت آن است که از سنخ آنها شویم، آنگونه

که در معجزه آخرین رسول الهی می خوانیم:

((لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا))

همانا در وجود رسول خدا (ع) الگوی نیکویی است برای کسی که امید به خدا و روز رستاخیز دارد و خدا را بسیار یاد می کند.

متنی را که پیش رو دارید، مروری بر زندگی پربار خاتم النبیا و پاره تنش حضرت زهرا و اولاد گرامی اش ائمه هدی (ع) می باشد که شمه ای از تلاش ها و مبارزات و استقامت های آن بزرگواران را در راه استقرار مکتب حیات بخش اسلام تبیین می کند. امید که آشنایی سربازان ارجمند با زندگی این انوار الهی، منشأ تحولی بیشتر و عمیق تر در رفتار آنان به عنوان شیعه چنین رهبرانی گردد.

الف) تعریف

نظام آموزش های عقیدتی- سیاسی سربازان، به مجموعه مباحث اعتقادی، اخلاقی، فقهی، سیاسی و تاریخی گفته می شود که در مدت دو سال سربازی و در سه سطح و مقطع آموزشی (دوره رزم مقدماتی، دوره ضمن خدمت و دوره تخصصی) به منظور آشنایی و تقویت دانش و بینش عقیدتی سیاسی سربازان و ایجاد انگیزه های فکری و معنوی در آنان برای انجام وظیفه و مأموریت محوله به اجرا گذاشته می شود.

ب) اهداف کلی نظام آموزش

۱- ایجاد حفظ و ارتقاء سطح دانش و پیشش عقیدتی سیاسی در بین سربازان،

۲- مقید نمودن هر چه بیشتر سربازان به احکام عملی اسلام؛

۳- تقویت تعهد عملی سربازان به نظام مقدس جمهوری اسلامی؛

۴- تقویت یا ایجاد انگیزه های معنوی در سربازان برای خدمت و انجام وظیفه.

ج) سطوح و دوره های آموزشی

پرسنل وظیفه در بدو ورود به خدمت براساس تحصیلات، به سطوح زیر تقسیم می شوند و در

کلاس های مربوط به همان سطح شرکت می کنند:

▪ زیر سطح (افراد بی سواد) : سربازانی که توانایی خواندن و نوشتن را نداشته باشند (با کد شناسایی "۰").

▪ سطح یک: سربازانی که دارای مدرک تحصیلی زیر دیپلم می باشند. (با کد "۱").

▪ سطح دو: سربازانی که دارای مدرک تحصیلی دیپلم و فوق دیپلم می باشند (با کد "۲").

▪ سطح سه: سربازانی که دارای مدرک تحصیلی لیسانس و بالاتر می باشند. (با کد "۳").

هر یک از سه سطح اخیر دارای سه دوره رزم مقدماتی، ضمن خدمت و تخصصی می باشد.

به استثناء سطح یک که دوره تخصصی ندارند. (دوره های آموزشی نیروهای وظیفه زیر سطح

(افراد بی سواد) نیز شامل دوره مقدماتی، سوادآموزی، دوره رزم مقدماتی و دوره تکمیلی سوادآموزی است.

(د) موضوعات نظام آموزش

۱- اصول عقاید

۲- اخلاق و تربیت های اسلامی ۳- احکام اسلامی ۴- علوم و معارف قرآن کریم

۵- تاریخ اسلام ۶- دانش سیاسی ۷- نظام دفاعی

خاستگاه اسلام

دین مبین اسلام در سرزمینی پهناور، کم آب و علف و دارای منابع اقتصادی اندک یعنی جزیره العرب ظهور کرد. وسعت صحراها و کمی منابع اقتصادی این شبه جزیره، طمع زورمداران آن روز را از سلطه بر این سرزمین بریده بود و همین امر موجب شد تا پیامبر اکرم(ص) از این خلأ قدرت استفاده کند و بدون وجود رقیب خارجی، رسالت خود را در این نقطه از جهان به انجام رساند.

قرآن کریم از دوره تاریخی پیش از اسلام این سرزمین، با نام ((دوره جاهلیت)) یاد می کند و این نامگذاری به منظور بیان تفاوت های اساسی و عمیق آن عصر با عصر پس از ظهور اسلام است.

مورخان نیز به دوره زمانی دویست سال قبل از بعثت تا آغاز بعثت یا تا هجرت پیامبر به مدینه، دوره جاهلیت می گویند.

شناخت خاستگاه اسلام در زمینه های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و مذهبی، خود بیانگر عظمت تحولی است که دین اسلام پس از ظهور در آن سرزمین به وجود آورد و این هدفی است که مادر تدوین این درس در پی رسیدن به آن هستیم.

ویژگی های خاستگاه اسلام

مهم ترین ویژگی های جزیره العرب عبارت است از:

۱- پراکندگی جمعیت

شبه جزیره العرب به ویژه حجاز در آغاز بعثت، جمعیتی اندک و پراکنده داشت. تنها چند نقطه مثل مکه، مدینه و اطراف آن، خیر و طائف بود که مردم به صورت متمرکز زندگی می کردند.

کمی و پراکندگی جمعیت هم به گسترش اسلام سرعت می بخشید و هم کار مخالفان را دشوار می ساخت زیرا ایجاد وحدت سیاسی- نظامی میان کسانی که به طور پراکنده زندگی می کردند کار آسانی نبود. تنها در یک مورد آنها توانستند در جنگ خندق، ده هزار نفر را علیه مسلمانان بسیج کنند، که این کار هم در همان روزهای اول جنگ به تفرقه بین آنان انجامید.

۲- فقدان دولت مرکزی

سرزمین حجاز هنگام ظهور اسلام، فاقد یک دولت مرکزی بود و مردم آن به صورت قبیله ای و پراکنده از هم زندگی می کردند. هیچ عامل مشترکی وجود نداشت که بتواند این قبایل پراکنده را متحد کند. نزاع قبائل دائمی بود و روحیه انفرادی زیستن به آنان اجازه نمی داد که زیر بار حکومتی واحد بروند. اگر گاهی هم با یکدیگر متحد می شدند، مقطعی و گذرا بوده است.

قبایلی که در حاشیه شبه جزیره زندگی می کردند، هر چند زیر حمایت قدرت های ایران و روم بودند و برخی با آنها پیمان های نظامی داشتند، ولی خود شبه جزیره دولت واحدی نداشت تا با کشورهای همجوار پیمان داشته باشد. به این ترتیب، وقتی اسلام ظهور کرد، دولتی قوی و قدرتمند در مقابلش وجود نداشت. دین جدید نیز برای همه اعراب به صورت دشمنی مشترک تلقی نشد که علیه آن متحد شوند، چرا

که در دوره حضور پیامبر (ص) در مکه تصور نمی کردند. اسلام به آن چنان قدرتی برسد که تهدیدی برای آنان به شمار آید.

۳- دین

آمیختگی نژادی و تفاوت شیوه های زندگی در شبه جزیره و نیز همجواری با صاحبان اندیشه ها و مکاتب گوناگون، باعث پیدایش عقاید مختلف در آن سرزمین شده بود. علاوه بر شرک و بت پرستی که آیین اکثر مردم جاهلیت بود، دین هایی مثل حنفیت، یهود، مسیحیت، زرتشتی و ستاره پرستی در آنجا رواج داشت.

دین حنیف: آیین یکتاپرستی موسوم به حنیف، همزمان با بنای کعبه توسط حضرت ابراهیم پدید آمد. این دین در شمال عربستان رایج بود و علیرغم پیدایش بت پرستی در آن سرزمین، معتقدان به این دین کم و بیش یافت می شدند و حتی بعضی از آنها بعثت پیامبر اکرم (ص) را نیز بشارت دادند.

بت پرستی:

بت پرستی دین اکثر اهالی جزیره العرب بود. کعبه به بتخانه ای تبدیل شده بود که اعراب ۳۶۰ بت را در آن جای داده بودند.

محو بت پرستی و استقرار توحید در جزیره العرب از معجزات اسلام است. زیرا مردمی که بت را انیس و مونس خود در همه جای زندگی می دانستند، در سایه تعالیم اسلام آنان را به دور افکنده، به منادیان توحید ناب بدل شدند.

۲- تمدن بشری

شبه جزیره عربستان را باید از تمدن به دو بخش جنوب (یمن) و شمال و مرکز (حجاز) تقسیم کرد. یمن از حاصلخیزترین و پردرآمدترین نقاط این شبه جزیره به شمار می رفت و زیادی نعمت سبب شده بود تا عرب ها آنجا را سرزمین مبارک بنامند. مردم آنجا اغلب تجارت پیشه و کشاورز بودند و با ایران، هند و مصر روابط تجاری داشتند.

حجاز این مهد اسلام، به جهت خشکی و خشونت صحرا و کمی باران از دو راه اداره می شد: صحرا نشینی و پرورش دام به ویژه شتر، و تجارت در راه بازرگانی هندوستان به مصر و سوریه.

۴- فرهنگ و عادت

خانواده : اساس خانواده بر مرد سالاری بود. زن برای مرد حکم کالا را داشت و جزو دارایی پدر یا شوهر یا پسر به شمار می رفت. زن همیشه خدمتگزار مرد بود و به ندرت به مقام مشاوره با مرد دست می یافت.

وظیفه زن، به دنیا آوردن فرزندان زیاد به ویژه پسران جنگجو بود. هر مردی چند همسر داشت و هر وقت می خواست آنان را از خانه بیرون می کرد. رضایت زن در ازدواج شرط نبود و مصلحت اندیشی پدر یا رئیس قبیله بود که سرنوشت او را تعیین می کرد.

قبیله : واحد اولیه تشکیل دهنده قبیله، خانواده بود که چادرنشین بود. ریاست قبیله موروثی بود ولی شیخ یا رئیس قبیله باید دارای فضایل فردی مثل شجاعت، سخاوت و خردمندی نیز باشد تا اعضای قبیله را ارشاد کند و به فرمانبرداری خود وادارد. افراد هر قبیله، شیخ را برتر از دیگران و قبیله خود را بهتر از دیگر قبایل می شمردند.

عرب جاهلی خارج از قبیله اش شخصیتی نداشت و تنها در پرتو قبیله در جامعه موجودیت پیدا می کرد، چون تمام قبایل دیگر بیگانه به شمار می رفتند. عصیت قبیله اقتضا می کرد که افراد هر قبیله از قبیله خود دفاع کنند، به حق باشد یا ناحق.

تفاخر : فخر و مباهات بر یکدیگر از صفات بارز عرب جاهلی بود. به شعر تا زمانی بها می دادند که شاعران با یک شعر اغراق آمیز قبیله و نیاکان آنان را بستایند و رقبا را هجو کنند. غیر عرب را عجم (گنگ) می خواندند و مقصودشان این بود که آنها نمی توانند مثل عرب ها رسا و فصیح سخن بگویند.

اموری که عرب جاهلی بدان ها بر رقیب خود تفاخر می کرد فراوان بود: برتری نسب، فزونی اولاد پسر، نفرت قبیله و زیادی جنگجویان و شمشیر زنان و ... مفاخراتی که جنگ ها و کشتارهای زیادی را در پی داشته و تاریخ همه آنها را در سینه خود محفوظ داشته است.

تاریخ بعثت

بزرگان شیعه معتقدند رسول اکرم(ص) در ۲۷ ماه رجب چهل سال پس از واقعه عام الفیل به پیامبری مبعوث شد. ولی علمای سنی بر این نظرند که این رویداد فرخنده، در ماه مبارک رمضان رخ داده است.

غار حراء، میعادگاه پیامبر(ص)

در فاصله شش کیلومتری مسجدالحرام در راه منی، کوهی جدا از کوه های دیگر با قامت بلند، سربرافراشته است که ((جبل النور)) نام دارد. در دامنه این کوه یک راه باریک کوهستانی است که پس از یک ساعت راهپیمایی به غار ((حرا)) منتهی می شود.

این غار میعادگاه وحی، تجلی گاه بعثت و محل نزول اولین آیات قرآن است. غار، بسیار ساده و کوچک است به نحوی که داخل آن تنها یک متر و نیم فضا دارد.

قبل از پیامبر(ص) اجداد او از جمله عبدالمطلب که همگی موحد و خداپرست بودند، هر سال مدتی را به حالت انزوا در نقطه خلوتی می گذرانند.

امین قریش، چهل سال از زندگی خود را با همه سختی ها و محرومیت هایی که همراه داشت، در نهایت صداقت، نجابت و درست کرداری و پاکدامنی گذراند. آن حضرت در این مدت جز خدای یکتا را نپرستید و عبادت و انس با حق را بر همه چیز مقدم می داشت.

محمد (ص) در سال های نزدیک به نبوت از مردم کناره می گرفت و سالی یک ماه را در این غار گوشه عزلت می گزید و عبادت خدا می کرد. تنها کسی که در این تماشاگاه راز با او بود، امیرمؤمنان علی (ع) است که می فرماید:

((رسول خدا هر سال مدتی را در حراء اقامت می کرد. من او را می دیدم و جز من کسی او را نمی دید.))

محمد (ص) در چشم انداز غار حراء، کوه ها، دره ها، دشت ها و بیابان ها را از نظر می گذرانید و با مشاهده آثار رحمت الهی با عشق و صفای دل به عبادت خالق مشغول می شد.

آغاز بعثت

محمد (ص) با سپری شدن ماه عبادت به مکه می آمد و پیش از آنکه به خانه برود، هفت بار کعبه را طواف می کرد. در یکی از همین سال های گوشه گیری وی در حراء بود که به پیغمبری مبعوث شد.

در آن روز جبرئیل امین بر پیامبر (ص) نازل شد و نخستین آیات الهی را بر او چنین خواند:

((بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ. اِقْرَاْ بِاِسْمِ رَبِّكَ الَّذِیْ خَلَقَ، خَلَقَ الْاِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ، اِقْرَاْ وَرَبِّكَ الْاَكْرَمَ، الَّذِیْ عَلَّمَ بِالْقَلَمِ عَلَّمَ الْاِنْسَانَ مَا لَمْ یَعْلَم))

بخوان به نام پروردگارت که ((جهان را)) آفرید، همان کس که انسان را از خون بسته ای خلق کرد، بخوان که پروردگارت از همه بزرگوارتر است همان کسی که به وسیله قلم تعلیم نمود و به انسان آنچه را نمی دانست یاد داد.

رسول اکرم (ص) پس از شنیدن این آیات کریمه و عهده داری منصب نبوت در حالی که از مشاهده عظمت و شکوه مقام کبریایی و برخورداری از نعمت بزرگ رسالت شادمان بود از غار پایین آمد و رهسپار خانه خدیجه شد.

در مسیر راه، کوه ها و صخره ها به امر پروردگار به سخن درآمده، هر کدام در برابر پیامبر (ص) ادای احترام نموده، او را با عنوان ((السلام علیک یا نبی الله)) خطاب می کردند.

اولین گروندگان

قرآن کریم به کسانی که در پذیرفتن و نشر اسلام از دیگران پیشگام تر بوده اند، کلمه ((السابقون)) را اطلاق کرده است. این سبقت در دوره آغاز اسلام ملاک برتری بود و پیشگام ترین افراد، برترین فضیلت ها را داشتند.

هر چند اولین زنی که مسلمان شد خدیجه بود ولی در روایات زیادی، رسول خدا (ص)

امیر مؤمنان (ع) را اولین گرونده اسلام معرفی می نماید، چنانچه می فرماید :

این علی (ع) نخستین کسی است که به من ایمان آورده و تصدیق کرد و با من نماز گزارد.

امیر مؤمنان نیز درباره اسلام آوردنش می فرماید :

در آن زمان، اسلام در خانه ای نیامده بود مگر خانه رسول خدا(ص) و خدیجه و من سوم ایشان

بودم. نور وحی و رسالت را می دیدم و بوی نبوت را استشمام می کردم.

پس از علی (ع) و خدیجه اولین فردی که به اسلام گروید، ((زید بن حارثه)) خدمتکار پیامبر

بود. از ((عمرو بن عبسہ سلمی)) روایت شده است که می گفت : در آغاز داستان بعثت، نزد

پیامبر شرفیاب شدم و از حضرت خواستم تا امر خویش را برایم توصیف کند و در آخر پرسیدم

که آیا کسی هم در این امر از تو پیروی کرده است؟ فرمود: آری، زنی و کودکی و غلامی و

مقصودش خدیجه، علی (ع) و زید بن حارثه بود.

آغاز دعوت

رسول اکرم (ص) پس از ورود به خانه، در بستر آرمید و در اندیشه آینده اسلام و چگونگی

دعوت آن بود که این سوره نازل شد :

((یا ایها المدثر قم فأنذر و ربك فکبر))

ای جامه خواب به خود پیچیده! برخیز و انذار کن (و عالمیان را بیم ده) و پروردگارت را بزرگ بشمار! بدین ترتیب دعوت پیامبر آغاز شد. این دعوت شامل سه مرحله بود: دعوت سری به مدت سه تا پنج سال، دعوت خویشاوندان و دعوت عمومی.

رسول گرامی اسلام (ص) به عنوان آخرین پیامبر الهی، آیین جامع و کامل اسلام را از طرف خدا به بشریت عرضه کرد و مأموریت یافت که در سایه تعلیمات نجات بخش خویش انسان ها را از ظلم و فساد و عقاید باطل و خرافات رهانده و به هدایت برساند.

نخستین رسالت الهی پیامبر (ص) ابلاغ پیام وحی بود. رسول گرامی اسلام در اجرای این فرمان الهی تمام سعی و کوشش خود را به کار گرفت و به رغم مشکلات فراوان موفق شد طی ۲۳ سال دوران رسالت، وظیفه مهم و الهی خویش را به انجام برساند.

نبی مکرم اسلام ابتدا به سراغ کسانی رفت که از آمادگی روحی و فکری بیشتری جهت جذب و هدایت برخوردار بودند و جوهره وجودی شان آلودگی کمتری داشت. رسول اکرم (ص) طی سه سال دعوت سری خود موفق شد عده ای از اینگونه افراد را شناسایی کرده، به آیین اسلام جذب کند.

از ناحیه پیامبر (ص) در طول دعوت سری اقدامی علیه بت پرستی صورت نگرفت، شیوه دعوت به طور کامل مخفی و به دور از چشم کفار قریش بود. در نتیجه این تلاش ها هسته مرکزی ((حزب الله)) تشکیل شد و زمینه گسترش بیشتر دعوت فراهم گشت.

شیوه دعوت رسول خدا (ص) در آغاز بعثت، بیانگر این حقیقت است که اصلاح باید از جای کوچک و محیط محدود شروع شود. خردمندان و رهبران بزرگ اجتماع هر چند دارای اهداف بلند و آرمان های متعالی هستند، ولی کار را از جای کوچک آغاز می کنند و به تدریج در گسترش آن می کوشند.

نزول تدریجی وحی

اراده الهی بر این تعلق گرفت که آیات قرآنی به تدریج و طبق پرسش ها و نیازهای مردم و جامعه فرو فرستاده شود. از این جهت مجموع آیات قرآن در ظرف ۲۳ سال بر رسول اکرم (ع) نازل

گردید.

خداوند در قرآن با اشاره به این موضوع می فرماید:

((ما قرآن را تدریجاً فرو فرستادیم تا آن را آرام و با تأنی بر مردم بخوانی. این قرآن، کتابی از

تنزیلات بزرگ ماست.))

در آیه دیگری می فرماید :

((کفار می گویند چرا قرآن یکجا نازل نگردید؛ برای اینکه قلب تو را با تلاش های پیاپی با مقام

وحی استوار سازیم.))

دوران تبلیغ و مقاومت

زندگی سراسر مبارزه و جهاد پیامبر بزرگوار اسلام، پس از بعثت، شامل دو دوره پیش از هجرت

و بعد از هجرت می شود. مشرکان مکه در فاصله زمانی بعثت تا هجرت پیامبر (ص)، سخت ترین

شرایط را برای رسول خدا (ص) و یارانش فراهم آوردند. اما پیامبر (ص) در راستای رسالت

خویش در همین سختی ها و فشارها دین الهی را تبلیغ کرده و در مقابل فشارهای مشرکان

مقاومت می نمود. دوره قبل از هجرت به مدینه را می توان دوران تبلیغ و مقاومت نامید.

رسول اکرم (ص) در این دوره شیوه های تبلیغی خاصی را اتخاذ کرد و در مقابل، مشرکان نیز

عکس العمل هایی نشان دادند که با بیان این کنش و واکنش به خصوصیات این عصر از تاریخ

صدر اسلام پی می بریم :

الف- مراحل تبلیغ

۱- دعوت سرّی

دعوت پیامبر، با شیوه تبلیغ سری آغاز شد که سه الی پنج سال طول کشید. پیامبر(ص) موفق شد با تماس های سری، افراد مستعد را به آیین خویش فراخواند. ایمان آورندگان در این مرحله که به تدریج به چهل نفر رسیدند در خانه یکی از مسلمانان به نام ((ارقم)) در بالای کوه صفا جمع می شدند تا از رهنمودهای پیامبر(ص) بهره مند شوند. اینان ایمان خود را از مشرکان پنهان کرده اعمال عبادی خود را دور از چشم آنان انجام می دادند.

۲- دعوت خویشاوندان

این مرحله از دعوت با نزول آیه شریفه ((وانذر عشیرتک الاقرین))، آغاز شد. از این رو، پیامبر بزرگان بنی هاشم و بنی عبدالمطلب را به مهمانی دعوت کرد. جلسه نخست با سخنان توهین آمیز ابولهب، عموی پیامبر بدون نتیجه خاتمه یافت، اما در جلسه بعد، آن حضرت دوباره آنها را به اسلام دعوت کرد و تأکید کرد که اولین ایمان آورنده شما به من، وصی، برادر و جانشین من خواهد بود. که تنها علی (ع) برخاست و حمایت خود را از آن حضرت اعلام کرد.

۳- دعوت همگانی

پیامبر(ص) پس از دعوت خویشاوندان و ارزیابی های لازم، با نزول آیه ((فاصدع بما تؤمر))، مأموریت یافت رسالت خود را به عموم مردم ابلاغ کند. از این رو، بر بالای کوه صفا رفت و با اجتماع قبیله های قریش برای آنان سخن گفت و رسالت خود را آشکار کرد.

ب) شیوه های تبلیغ

۱- پرهیز از خشونت و درگیری

روش پیامبر در برابر مشرکان و کسانی که درصدد دشمنی با اسلام و مسلمانان بودند مسالمت آمیز و بر مبنای رعایت اصول اخلاقی اسلام بود و علی رغم آن همه آزارهای دشمنان هرگز در صدد انتقامجویی و برخورد خشونت آمیز برنیامد. از این رو در سال هشتم هجری پس از فتح مکه و چیرگی بر قریش، آنان را در مورد عفو قرار داد. و در پاسخ بعضی از یاران خود که شعار می دادند: ((الیوم یوم الملحمة))؛ امروز روز انتقام است، دستور داد این شعار را بگویند: ((الیوم یوم المرحمة))؛ امروز روز رحمت و گذشت است.

مدارا و ملاحظت پیامبر(ص) در برخورد با مخالفان، موجب شد تا بعضی از کافران در رفتار خود نسبت به آن حضرت تجدید نظر کنند و جذب آیین مقدس اسلام شوند.

۲- حفظ نیروهای مؤمن

رسول اکرم (ص) از یک طرف از برخورد قهرآمیز با کافران پرهیز داشت؛ از طرف دیگر در حفظ نیروهای مؤمن و عناصر حزب الله می کوشید؛ زیرا اگر چنین نمی کرد، با جو ارباب و

تهدیدی که قریش علیه او و یارانش ایجاد کرده بود، نه کسی جرأت می کرد ایمان بیاورد و نه مؤمنان ایمنی و آسایش داشتند.

طرح انتقال یاران اندک خود به دره های خارج مکه برای انجام مراسم عبادی و انتقال آنان به خانه ((ارقم)) در دوران دعوت سرّی، انتقال مسلمانان به شعب ابوطالب، دستور هجرت به سرزمین حبشه و سرانجام فرمان هجرت به مدینه همگی در راستای حفظ نیروهای مؤمن و وفادار به اسلام صورت گرفت.

۳- استفاده از فرصت ها

رسول خدا (ص) از هر فرصتی برای تبلیغ دین اسلام بهره می جست. علاوه بر حوادث مختلفی که به تناسب آن، حضرت با استفاده از آیات قرآن، دین خود را عرضه می کرد، یکی از فرصت های تبلیغی برای آن حضرت (ع) مراسم حج و اجتماع قبیله های حجاز در مکه جهت انجام مراسم عبادی و داد و ستد در بازارهای معروف مکه بود. پیامبر(ص) در این اجتماعات حاضر شده، به ایراد سخن می پرداخت، با سران قبایل عرب مذاکره کرده حقیقت دین خود را به آنها عرضه می داشت.

۴- برخورد های سازنده

رسول خدا (ع) با اعمال نیک و رفتار شایسته و نیز عمل به آنچه ک مردم را به آن دعوت می کرد، زیباترین روش تبلیغی را برگزیده بود. خداوند هم این اخلاق پیامبرش را ستوده و می فرماید :

((وَ اِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ))؛ تو اخلاق عظیم و برجسته ای داری.

تاریخ زندگانی نبی خاتم (ع) نشان می دهد که گروه زیادی از مردم گمراه با مشاهده رفتار نیک او مسلمان شدند که از نمونه های بارز آن، مسلمان شدن شخصیت ممتاز عرب ((عدی بن حاتم طائی)) است.

هجرت به مدینه

مفهوم هجرت:

واژه هجرت در لغت به معنای بریدن و دور شدن از کسی یا چیزی با تن یا زبان یا قلب است، و در اصطلاح، خارج شدن از ((دارالفکر)) به سوی ((دارالایمان)) را هجرت گویند؛ مانند افرادی که از مکه به مدینه هجرت کردند، البته مقدمه چنین هجرتی، دوری گزیدن از شهوات و ترک علایق مادی و حیوانی است. شهید مطهری درباره ماهیت هجرت می نویسد: حقیقت و ماهیت هجرت در تمام جنبه ها، همان جدا شدن است. جدا شدن انسان از آنچه که به او چسبیده یا خود را به آن چسبانده است.

در اسلام از دو نوع هجرت نام برده شده است :

۱- هجرت آفاقی یعنی فاصله گرفتن از چنگ دشمنان برونی اسلام؛

۲- هجرت انفسی یعنی دوری گزیدن از نفس اماره و دشمن درونی؛

هجرتی که در این اینجا مورد نظر ماست، هجرت آفاقی و حرکت در زمین برای حفظ دین و

پرستش خدای یکتاست. همان کاری که پیامبر اکرم (ص) و یارانش انجام دادند.

اهمیت هجرت در اسلام

هجرت در اسلام از سه جنبه فردی، اجتماعی و تاریخی قابل توجه است :

از جنبه فردی اسلام به مسلمانان دستور می دهد که هر گاه ایمان و عقیده اسلامی خود را در

معرض انحراف و نابودی دیدند و قادر به نگهداری آن نبودند، به منطقه امنی هجرت کنند.

از جهت اجتماعی، هجرت در راه خدا ارزشی برابر با ایمان و جهاد دارد. اهمیت هجرت در آن

است که خود تا کتیک جدیدی در زمینه مبارزه و نجات اسلام از بن بست ها و شکستن موانع ایجاد

شده از سوی دشمنان دین می باشد.

از لحاظ تاریخی نیز فرهنگ هجرت در طول تاریخ پرفراز و نشیب اسلام، کارساز بوده است.

هجرت مسلمانان به حبشه و مدینه، بینش آنان را گسترش داد و با دنیای خارج آن روز اسلام مرتبط

ساخت تا جایی که سفرای کشورهای دیگر همواره به قلمرو اسلامی در، آمد و شد بودند. در پی این هجرت ها بود که اسلام به قلب اروپا و امریکا، جنوب شرقی آسیا و سراسر قاره افریقا راه یافت.

هجرت، مهم ترین عامل انتقال فرهنگ است و انتقال فرهنگ اسلامی به جامعه های انسانی، آن را به صورت دینی قوی و قدرتمند در صحنه جهانی ظاهر ساخت.

هجرت به مدینه

هجرت پیامبر اکرم (ص) و پیروانش از مکه به مدینه، زمینه ها، مراحل، آثار و پیامدهای گوناگونی داشت که در حد نیاز بدانها می پردازیم.

الف- زمینه ها

۱- آزار مسلمانان در مکه : مشرکان مکه روز به روز بر آزار مسلمانان می افزودند و استدلال های متین و گفتار آسمانی و حکیمانه رسول خدا (ص) را با سخنان توهین آمیز پاسخ می دادند. آنان از هیچ ستمی علیه مسلمانان دریغ نمی کردند کار شکنجه جسمی و روحی مسلمانان به جایی رسیده بود که کسی جرأت اظهار ایمان نداشت.

تحمل چنین وضعی برای پیامبر اکرم (ص) دشوار بود. از این رو چندین بار، مسلمانان را به نقاط امنی منتقل نمود که مهم ترین آنها عبارت بود از:

۱- هجرت مسلمانان به حبشه به سرپرستی عثمان بن مظعون در سال پنجم بعثت.

۲- هجرت مسلمانان به حبشه به سرپرستی جعفر بن ابی طالب در سال پنجم بعثت.

۲- پیمان دفاعی یثربیان با پیامبر (ص): رسول گرامی اسلام در سال های یازدهم و دوازدهم

بعثت در موسم حج دیدارهایی با برخی از مردم یثرب داشت که مفید و سازنده بود و منجر

به دیدار آن گرامی با حدود ۷۵ نفر از یثربیان در سال سیزدهم بعثت شد. ویژگی این

دیدار، پیمان دفاعی ای بود که به ترتیب ذیل با رسول خدا بسته شد.

در صورت هجرت رسول خدا به یثرب، آنان همانگونه که از زن و فرزند خود دفاع می کنند،

از پیامبر هم دفاع نمایند.

۳- تصمیم قریش به قتل پیامبر: گسترش روزافزون اسلام در خارج از مکه، سران قریش را به

وحشت انداخت تا آنکه پس از رایزنی، رؤسای قبایل تصمیم به قتل پیامبر (ص) گرفتند.

ب- مراحل هجرت

هجرت به مدینه با رهبری پیامبر (ص) صورت گرفت و مسلمانان به رغم جو خفقان و ممانعت قریش، در چندین مرحله مکه را به مقصد مدینه ترک کردند که سه مرحله عمده آن عبارت است از:

۱- هجرت مسلمانان در سال سیزدهم بعثت، آنان به صورت پراکنده به همراه اعضای خانواده خود به مدینه وارد شدند.

۲- هجرت پیامبر (ص) در سال چهاردهم بعثت.

۳- هجرت حضرت علی (ع) و حضرت زهرا (ص) و برخی دیگر از مؤمنان مستضعف.

پس از صلح حدیبیه که هجرت از مکه به مدینه، رسمی و غیر قانونی شد، گروهی از مسلمانان که تا آن زمان در مکه بودند به مدینه هجرت کردند.

هجرت مبدأ تاریخ اسلام

هجرت پیامبر به مدینه، مبدأ تاریخ مسلمانان قرار گرفت. در مورد چگونگی این انتخاب دو نظریه وجود دارد:

گروهی معتقدند که این ابتکار به وسیله شخص پیامبر (ص) و در همان سال انجام گرفت.

عده ای دیگر بر آنند که در سال سوم خلافت عمر، علی (ع) هجرت پیامبر (ع) را به عنوان مبدأ

تاریخ پیشنهاد کرد و پس از تصویب، به سراسر مملکت اسلامی ابلاغ شد.

ج- آثار هجرت

هجرت به یثرب، آغاز به ثمر نشستن زحمت های طاقت فرسای چندین ساله پیامبر اکرم در مکه بود. برخی از برکت های این پدیده عظیم تاریخی عبارت است از:

۱- رهایی مسلمانان از فضای خفقان آور مکه و زندگی در فضای آزاد مدینه؛

۲- ابلاغ پیام اسلام به خارج از مکه و حتی حجاز؛

۳- قدرت یافتن مسلمانان؛ از آنجا که مدینه بر سر راه بازرگانی مکه به حوزه مدیترانه بود.

مسلمانان این شهر در پرتو هجرت به موقعیت سوق الجیشی برتری دست یافتند. آنان که در مکه زیر ستم قریش بودند، پس از هجرت به مدینه تهدیدی جدی برای مشرکان مکه به

شمار می آمدند.

۴- برقراری حکومت اسلامی و اجرای قوانین آسمانی این دین مبین.

اقدامات پیامبر در مدینه

پیامبر اکرم (ص) با ورود به مدینه، حکومت اسلامی را به طور رسمی اعلام و به فراخور موقعیت

زمان و مکان و امکانات موجود، ارکان حکومتی را تعیین و تثبیت کرد، حکومتی که بر پایه روابط

گسترده اجتماعی و جایگزینی ارزش های دینی به جای ارزش های قومی و قبیله ای استوار بود. برخی از اقدامات ارزنده رسول خدا (ص) چنین است:

۱- بنای مسجد و اقامه نماز جمعه

اولین اقدام حضرت در مدینه، بنای مسجد بود. پیامبر مسجد را هم پایگاه حکومت اسلامی و هدایت و ارشاد مردم قرار داد، هم محل اقامه نماز جماعت و جمعه، هم مکان دیدار و ملاقات مردم با رهبری و هم مرکز تجمع نیروهای مردمی و سازماندهی و اعزام مجاهدان به جبهه.

رسول خدا (ص) به هنگام ورود به مدینه، نخستین نماز جمعه را با حضور صد نفر مسلمان برگزار کرد.

۲- تنظیم قرارداد سیاسی

مشکل مهم سیاسی مدینه، جنگ های طولانی دو قبیله اوس و خزرج از یک سو و اختلافات این دو قبیله با یهودیان ساکن مدینه از سوی دیگر بود. پیامبر در نخستین سال ورود به مدینه، یک قرارداد سیاسی مبتنی بر مکتب خویش تدوین کرد.

تعیین وظایف مسلمانان نسبت به یکدیگر، روابط مسلمانان با پیروان ادیان دیگر، پذیرش رهبری پیامبر از سوی مسلمانان، یهودیان و مشرکان ساکن مدینه، از محورهای عمده این

قرارداد سیاسی بود که در چهار بند و ۳۷ ماده تنظیم شد و به امضای همه گروه های موجود در مدینه رسید. این پیمان نقش مهمی در ثبات داخلی و تحکیم پایه های حکومت اسلامی داشت.

۳- انعقاد پیمان برادری بین مسلمانان

پیامبر اکرم برای ایجاد برادری بین مهاجران و انصار دستور داد دو نفر، دو نفر با هم برادر شوند. بدین ترتیب حدود صد نفر از مسلمانان با یکدیگر پیمان برادری بستند. پیامبر نیز با علی عقد اخوت بست. طبق این پیمان، مهاجران که به دلیل ترک سرزمین خود، از نظر مالی در تنگنا بودند، با برادران انصار خود در همه چیز شریک شدند و حتی از یکدیگر ارث می بردند.

پایان